

Survival Kit. The Emergency Room. Phrases for Daily Routine Situations.

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

12 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1 the emergency room

اورژانس

DEF

The hospital department that treats serious or urgent conditions.

Emergency department and A&E are common alternatives in different countries.

FA

بخش بیمارستانی که شرایط جدی یا فوری را درمان می کند.
بخش اورژانس و A&E جایگزین های رایج در کشورهای مختلف هستند.

They took him straight to the emergency room.

او را مستقیم به اورژانس بردند.

Ask where the emergency room is as soon as you arrive.

به محض رسیدن بپرسید اورژانس کجاست.

2 to affect the care you receive

تا بر مراقبتی که دریافت می کنید تأثیر بگذارد

DEF

To influence the treatment or attention provided to you.

Affect is a verb here; care means medical support, not an emotion.

FA

برای تأثیرگذاری بر درمان یا توجه ارائه شده به شما.
تأثیر در اینجا یک فعل است. مراقبت به معنای حمایت پزشکی است، نه یک احساس.

The words you use can affect the care you receive.

کلماتی که استفاده می کنید می توانند بر مراقبتی که دریافت می کنید تأثیر بگذارند.

Accurate information may affect the treatment you receive.

اطلاعات دقیق ممکن است بر درمان شما تأثیر بگذارد.

3 to describe the pain

برای توصیف درد

DEF

To explain where pain is, when it began and how it feels.

Useful descriptors include sharp, dull, burning, constant and severe.

FA

برای توضیح اینکه درد کجاست، کی شروع شده و چه احساسی دارد.
توصیفگرهای مفید عبارتند از تیز، کسل کننده، سوزان، ثابت و شدید.

Try to describe the pain as clearly as possible.

سعی کنید درد را تا حد امکان واضح توصیف کنید.

She described the pain as sharp and constant.

او درد را تیز و مداوم توصیف کرد.



4

to point to where it hurts

برای اشاره به جایی که درد دارد

DEF

To indicate the location of pain with a finger or gesture.

A practical phrase when the medical name of a body part is unknown.

FA

برای نشان دادن محل درد با انگشت یا اشاره.
یک عبارت کاربردی زمانی که نام پزشکی یک عضو بدن ناشناخته است.

Point to where it hurts while you explain.

وقتی توضیح می دهید به جایی که درد دارد اشاره کنید.

The child pointed to where it hurt.

کودک به جایی که درد دارد اشاره کرد.

5

to make a note of something

یادداشت کردن چیزی

DEF

To write down information so that it is remembered or acted on.

Make a note of is stronger and more deliberate than simply notice.

FA

برای نوشتن اطلاعات به گونه ای که به خاطر سپرده شود یا بر اساس آن عمل شود.
یادداشت کنید قوی تر و سنجیده تر از این است که به سادگی متوجه شوید.

I am allergic to penicillin—please make a note of that.

من به پنی سیلین حساسیت دارم - لطفاً به آن توجه داشته باشید.

The nurse made a note of his medication.

پرستار داروی او را یادداشت کرد.

6

a medication allergy

یک آلرژی دارویی

DEF

A harmful immune reaction to a medicine.

Do not confuse an allergy with a side effect; medical staff need to know both.

FA

یک واکنش ایمنی مضر به یک دارو.
آلرژی را با یک عارضه جانبی اشتباه نگیرید. کارکنان پزشکی باید هر دو را بدانند.

Tell the doctor about any medication allergy.

در مورد هر گونه حساسیت دارویی به پزشک اطلاع دهید.

Her records clearly show a medication allergy.

سوابق او به وضوح آلرژی دارویی را نشان می دهد.

7

a high-stakes situation

یک وضعیت پر خطر

DEF

A situation in which the consequences of mistakes are serious.

High-stakes commonly describes medical, legal, financial and exam contexts.

FA

وضعیتی که در آن عواقب اشتباهات جدی است.
ریسک بالا معمولاً زمینه های پزشکی، حقوقی، مالی و امتحان را توصیف می کند.

An emergency room is a high-stakes situation.

اتاق اورژانس یک موقعیت پر خطر است.

Clear communication matters in high-stakes situations.

مسائل ارتباطی واضح در موقعیت های پرمخاطره.



8

a telephone interpreter

یک مترجم تلفنی

DEF

A trained person who translates a conversation remotely by phone.

Interpreter is for spoken language; translator normally refers to written language.

FA

یک فرد آموزش دیده که مکالمه را از راه دور با تلفن ترجمه می کند.
مترجم برای زبان گفتاری است. مترجم معمولاً به زبان نوشتاری اشاره دارد.

The hospital arranged a telephone interpreter.

بیمارستان مترجم تلفنی ترتیب داد.

Could we speak through a telephone interpreter?

آیا می توانیم از طریق مترجم تلفنی صحبت کنیم؟

9

around the clock

شبانه روزی

DEF

All day and all night without stopping.

A fixed idiom meaning twenty-four hours a day.

FA

تمام روز و تمام شب بدون توقف.
یک اصطلاح ثابت به معنای بیست و چهار ساعت در روز.

Interpreters may be available around the clock.

ممکن است مترجمان شبانه روزی در دسترس باشند.

The emergency team works around the clock.

تیم اورژانس شبانه روزی کار می کند.

10

to freeze in an emergency

یخ زدن در مواقع اضطراری

DEF

To become temporarily unable to think or act because of fear.

Freeze is one of the body's common responses to danger.

FA

به دلیل ترس موقتاً قادر به فکر کردن یا عمل کردن نیست.
یخ زدگی یکی از واکنش های رایج بدن در برابر خطر است.

It is normal to freeze in an emergency.

یخ زدن در مواقع اضطراری طبیعی است.

She had practised the phrase so she would not freeze.

او این عبارت را تمرین کرده بود تا یخ نزند.

11

vaccination history

سابقه واکسیناسیون

DEF

A record of the vaccines a person has received.

Medical history is broader; vaccination history refers specifically to immunisation.

FA

سابقه واکسن هایی که یک فرد دریافت کرده است.
سابقه پزشکی گسترده تر است. سابقه واکسیناسیون به طور خاص به ایمن سازی اشاره دارد.

The doctor asked about the child's vaccination history.

دکتر در مورد سابقه واکسیناسیون کودک پرسید.

Keep a copy of your vaccination history on your phone.

یک کپی از تاریخچه واکسیناسیون خود را در تلفن خود نگه دارید.



12

to ask for help

برای درخواست کمک

DEF

To clearly request assistance when it is needed.

In urgent situations this is a skill, not a sign of failure.

FA

در صورت نیاز به وضوح درخواست کمک کنید.
در شرایط اضطراری این یک مهارت است، نه نشانه شکست.

Asking for help made the treatment safer.

درخواست کمک، درمان را ایمن تر کرد.

Do not hesitate to ask for help if you feel worse.

اگر احساس بدی دارید از درخواست کمک دریغ نکنید.

